

از موانع پرواز کن

جف هرست*

ترجمه : **سهیل نوری پناه**



این روزها اخبار زیادی را درخصوص نارضایتی و شکایت مردم نسبت به نمایش اخیر انگلستان می شنوم . اما من چنین موضوعی نسبت به این داستان ندارم و برعکس گمان می کنم سه امتیاز در بازی نخست نتیجه‌ای است قابل قبول . . . !
همواره نخستین دیدارها در جام جهانی شرایط و دشواری خاص خود را دارد و از منظر تاریخ نیز اگر به عقب بروم یعنی در جام جهانی ۱۹۶۶ باید بگویم که ما نیز آن تورنمنت را با خفت آغاز کردیم . چون در برابر اروگوئه نتیجه‌ای بهتر از تساوی صفر-صفر عایدمان نشد!

من نمی‌خواهم که خود را سوار بر موج منفی حاکم بر فوتبال انگلستان کنم . موجی که با بدبینی و یأس آینده این تیم را ارزیابی می کند .
بله! می‌پذیرم و قبول دارم که ما باید در نیمه دوم پاراگوئه را تحت فشار قرار می‌دادیم و با پاس های دقیق نبض بازی را در اختیار می‌گرفتیم . اما به‌عنوان یک هوادار من از چنین پیروزی‌ای شادمان شدم . خیلی طاقت‌فرسا بود . قبول دارم . آب و هوای فرانکفورت حقیقتاً مهلک و آزاردهنده بود . من ، شخصاً وقتی که در استادیوم بازی را تماشا می‌کردم از فرط گرما داشتم پدل به یک گوشه کوشت سرخ شده می‌شدم ! نکته انتقادآمیز آن روز این بود که مدت زمان گرم کردن بازیکنان دو تیم بیش از بازی بسیار زیاد بود و کم کم ، رنگ و شکل کسالت به‌خود گرفت . اتفاقاً در این باره ، پس از مسابقه وقتی که «کتی دالگلیش» را دیدم با او صحبت کردم ، اینکه آن تمرین ها و گرم کردن‌ها آن هم به‌گونه‌ای افراطی صبر و شکیبایی را از تماشاگران گرفت!

ولی وقتی بازی کم‌کم سر و شکل پیدا کرد، متوجه شدم انگلستان در پخش کردن توپ‌ها و رد و بدل کردن‌های آن ناهماهنگ و سنگین عمل می‌کند . به پتر کراوج به ندرت تویی می‌رسید، که اگر هم می‌رسید آهنگ حرکتی توپ بسیار سریع بود!

نمایش‌های فردی قابل توجهی را از دل برخی از بازیکنان انگلستان دیدم . نکته‌طعنه‌آمیز سر و صدا و اعتراض آشکار و دسته‌جمعی هواداران بود که پس از تعویض جو کول ، جلب‌نظر می‌کرد! اعتراض و شکایتی که بسیار هویدا بود. البته این را هم بگویم که واقعاً نمی‌دانم که این اعتراض و زمین زدن‌های ممتد به سبب خارج شدن جو کول از زمین مسابقه بود و یا قرار گرفتن اوون‌هارگریوز در زمین مسابقه؟! ، اما هرچه که بود این تلقی را روشن می‌کرد که آنها از نحوه حرکت تیم رضایت نداشتند . کسانی که باید به آنان برای آزادی ابراز احساس و عقایدشان احترام گذاشت!

به اعتقاد من استیون جرارد روز پرفروغی را پشت سر گذاشت و جان تیزر نیز در دیوار خط دفاعی بسیار محکم و قابل اتکا نشان داد . جرارد در جایی از او استفاده می‌شد که هیچگاه نمی‌تواند تمام توانایی‌اش را آنجا به رخ بکشدان ولی در آن مسابقه استیون به‌رغم اینکه در جایی بازی می‌کرد که در آن متخصص نیست ارائه‌گر عملکردی درخور تحسین بود . ایده‌آل من و انتخاب آرمانی من در خصوص جرارد این است که او را بیشتر در برنامه‌های هجومی ببینم . دوست دارم استیون بیشتر توانایی‌اش را صرف استراتژی‌های هجومی کند . چه آنکه در بسیاری از اوقات او در راه همین برنامه گل‌های زیبا و تعیین‌کننده‌ای را نیز به ثمر می‌رساند که تازه‌ترین آن در برابر تیم دوران جوانی‌ام وستهم‌یونایتد در بازی نهایی FA Cup ۰۵ بود . گرچه خیلی مایل نیستم بیشتر درباره آن بازی صحبت کنم!

و او در نبرد بعدازظهر شنبه در برابر پاراگوئه چهره استثنایی و نمایشگر یک فوتبال حیرت‌انگیز و کامل بود . این نکته را نیز به یاد داشته باشید که استیون در این فصل به‌خاطر حضور لیورپول در جام‌های گوناگون تا مراحل پایانی بیشترین بازی‌ها را انجام داد .

بازی‌هایی به‌غایت سخت و طاقت‌فرسا که برای او در اواخر کم‌کم صورتی کسالت‌بار و خسته‌کننده به‌خود گرفت!! از چنین ستاره‌ای کمتر از این انتظار نمی‌رود که چنین شگفت‌انگیز توانایی‌هایش را بروز دهد! او، البته نه فقط او که تمامی بازیکنان تیم باید حداکثر توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان را در راه نتیجه‌گیری مجموعه نمایش دهند . وقتی مایکل اوون تا قبل از دقیقه ۶۰ از بازی خارج شد، آشکارا می‌توانستیم در سیمایش خستگی و افت بدنی را نظاره کنیم . چنین چیزی شاید هنگامی حیرت‌انگیز جلوه نکند که به‌یاد آوریم او بعد از کریسمس تنها یک بار به صورت ۹۰ دقیقه‌ای برای نیوکاسل بازی کرد . می‌دانم که بازی به بازی روند رو به بهبودی‌اش نمود پیدا خواهد کرد . پتر کراوج روز خوبی داشت . گرچه از او که قامتی بسیار بلند دارد انتظار می‌رود بیشتر در توپ‌های هوایی فعال باشند . او شنبه نشان داد در اکثر دفاعیات یک فوتبالیست ساکن است و فوتبال را ایستا بازی می‌کند که اصلاً نکته روشنی نیست .
بله ، می‌دانم که او با قامتی حدود ۱ متر و ۹۷ سانتی‌متر چندان نمی‌تواند تحرکی بسان بقیه داشته باشد اما اگر تنها بایستد و خود را به آب و آتش نزند آنگاه مدافعان حریف به‌آسانی شما را از جریان بازی خارج می‌کنند!

حال این ترنیتداد و توپاگو است که به ما چشمک می‌زند. پیش از شنبه عصر ، بسیاری از مردم به پیروزی ۲ بر صفر یا ۳ بر صفر سوئدی‌ها در برابر آنها ایمان داشتند . اما خوب این گونه نشد . زیرا طبیعت بازی، نخست سوئدی‌ها را به دام انداخت . ما هنوز در موانع آغازین هستیم و باید به پرواز کردن از این موانع مقدماتی ببیندیشیم!

*** مهاجم انگلیس در جام جهانی ۱۹۶۶ و بازیکن سابق وستهم یونایتد**

تا ساعت ۱۷/۴۰ عصر روز شنبه (۲۰ خرداد) قرار

بود من فقط روی نیمکت بنشینم و دروازه‌بان ذخیره تیم ملی کشورم (ترینیداد) در مسابقه با سوئد در گروه دوم جام‌جهانی فوتبال ۲۰۰۶ باشم .اما دوست خوبم کلوین جک طی گرم کردن و آماده شدن برای بازی مصدوم شد و امکان حضور در میدان را از دست داد . صدای لئو بین هاکر (مربی هلندی تیم ملی ترینیداد) را شنیدم .

«هی، شاکا، تو بازی می‌کنی .»

«باشه رئیس نگران نباش .»

به قدری دیر این مسئله به اطلاع من

رسانده شد که حتی وقت پیدا نکردم بابت

آن نگران و دچار استرس شوم و یا

حالاتی را تجربه کنم که یک ورزشکار

در ساعات قبل از یک بازی مهم لمس و

تجربه می‌کند، وگرنه این دیداری بود که

در تمام عمر انتظارش را می‌کشیدم و

خوایش را می‌دیدم . این بار وقتی برای

محاسبه و بررسی نبود. در یک لحظه به

من گفتند برو توی زمین .

با این حال من از آدم‌هایی هستم که

دوست دارند مقدمات یک بازی را هم

تجربه کنند و قدم به قدم برای آن تدارک

ببینند و لحظه به لحظه با آن به پیش

بروند .

من مایلیم که فضا را حس کنم و

دیدارهای مهم خاطره‌ای ماندنی را برایم

موجب شوند و البته قبول دارم که همین

خصلت باعث شده است برخی

ناکامی‌ها را نیز در زندگی ورزشی خود

متحمل شوم .

نمی‌دانم، شاید هم حضور در این

میدان بدان سبب بوده باشد که همیشه

در مسیر لازم و مناسب قرار داشته‌ام و

که باید باشم، بوده‌ام . من ۳۷سال دارم

و مدت‌ها است که فوتبال حرفه‌ای بازی

می‌کنم و در نتیجه شرکت در جام جهانی

و سرنوشت‌ساز شدن در این عرصه برای من اهمیت

فراوانی داشت .

من حتی می‌توانم نمایشم را در این بازی غرورانگیزترین صحنه عمرم توصیف کنم . در دور مقدماتی جام چندان بازی نکرده و بیشتر نیمکت‌نشین کلوین جک بودم و اصلاً هم فکر نمی‌کردم در مرحله نهایی دیداری به من برسد . با این وجود اتفاقی افتاد که می‌دانید و به این ترتیب معما و شگفتی‌ها برایم کامل شد . حالا می‌دانم روزی که کنار هم بروم، در نهایت شادمانی و رضایت خواهد بود.

شاید هم از همان زمان راهیایی به دور پایانی این جام چنین احساسی را داشتم ولی وقتی آن اتفاق در شهر دورتموند روی داد و من ناگهان از نیمکت ذخیره‌ها به درون میدان و ترکیب اصلی منتقل شدم و بسیار درخشیدم، شادی‌ها و سرورم کامل شد . هیچ‌کس انتظار نداشت که من در آن «بازی بدون مقدمه» آن طور خوب ظاهر شوم و چنان نمایشی را ارائه کنم . بنابراین اگر همین فردا بمیرم هیچ گله‌ای نخواهم داشت!

واقعاً روز کاملی بود و تنها ایراد قضیه اتفاقی بود که

برزیل نیز دستش را رو

کرد . آنها در حالی که در

بیشتر دفاعیات مسابقه زیر

سایه نمایش قابل توجه و

منسجم شاگردان زلاتکو

کرانچچکار بودند با تک گل

هنرمندانه کاکا، حریف

سرسختشان را از پیش

روی برداشتند . در این

میان یکی از اسطوره‌های

سامباها که در جام جهانی

۱۹۷۰ ، یعنی همان

سالسی که برزیل با آن

سه گانه معروفش ژول

ریمه را تا باید به خانه‌اش برد او در تمامی مسابقات

توانست گلزنی کند . و او کسی نیست جز جرزیهو. . .

شماره ۷ استثنایی سلسناو! حالا او برای بررسی

مسابقات جام در آلمان حضور دارد . جرزیهو در

خصوص تیم ملی کشورش می‌گوید: «واقعاً این تیم و

آینده‌اش و نتایج احتمالی که در ادامه جام خواهد گرفت

بیشتر فکر و اندیشه مرا معطوف خود کرده است . همیشه

در این مدت به آینده تیم فکر می‌کردم که آیا می‌تواند

ششمین عنوان قهرمانی‌اش را ثبت کند یا نه؟ اما وقتی

در خصوص تیم کشورم صادقانه می‌اندیشم به این

تصویر می‌رسم که حصول به چنین هدفی آنچنان هم

ساده نیست که در نگاه اول به نظر می‌رسد . زیرا در این

تیم عده‌ای بازیکن نام‌آمده حضور دارند که خیلی مفید

نمی‌نمایند!» جرزیهو در ادامه در خصوص رونالدو و

نزدیک شدن به شکستن رکورد گرهارد مولر چنین

می‌گوید: «برخلاف خیلی‌ها که معتقدند او به‌خاطر

دستیابی به چنین رکورد و افتخاری کمی تمرکزش را از

دست خواهد داد . من می‌گویم که چنین هدفی او را

بالانگیزه‌تر از گذشته نیز می‌کند چرا که باور دارم اگر

هم‌تیمی‌هایش و خصوصاً بازپسان‌های مجموعه او را

در موقعیت ایده‌آل گلزنی قرار دهند او می‌تواند با افزودن

ورزشی

ویژه جام جهانی ۲۰۰۶

نگاه«شاکاھیسلاپ» به بازی امشب ترینیداد مقابل انگلیس

حالا نوبت استیون جرارد است

شاکاھیسلاپ*

ترجمه : **وصال روحانی**



سوئد در دست‌شان دیده می‌شد . ۲۵درصد باقی‌مانده

هم ظاهراً بی طرف بودند(!) و اگر خیلی می‌گشتید،

شاید ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر را می‌فانید که پرچم‌های ما را

در دست گرفته بودند با این حال پس از گذشت دفاعی

و با دفاع جانانه ما مردم تغییر موضع دادند و شروع

تثویق ما کردند . به واقع ما با

دفاع همه‌جانبه و موفق و

همت و فداکاری‌مان توانسته

بودیم دوستان تازه‌ای را بیابیم

و حامیان جدیدی را پیدا کنیم

و این چیزی است که ما به

قصد نیل به آن به آلمان

آمده‌ایم .

وقتی لب‌خند را بر چهره

یارانم و وجد را بر صورت

تماشاگران دیدم، احساس

غرور کردم و این مسئله بیشتر از دستاوردها و حرکات

خودم درون دروازه مرا شادمان کرد . ما باعث شده بودیم

کوچک‌ترین کشور حاضر در جام کاری بس بزرگ را

□

انجام بدهد . از شما می‌پرسم : ما فوتبالیست‌ها برای چه به این ورزش می‌پردازیم؟ خلاف آنچه عده‌ای تصور می‌کنند، پول و مسائلی از این دست تنها انگیزه ما نیست و ما به واقع بازی می‌کنیم و به میدان می‌رویم تا دل‌ها را شاد کنیم و به مردم کشورمان غرور ارزانی داریم . کافی است که طی بازی و یا در پایان کار ببینیم مردم و هموطنان‌مان از روند کار ما راضی‌اند و همان نیز برای شادمانی ما کفایت می‌کند .

■ نخست‌وزیر تلفن زد

در اتمام مسابقه شنیدیم‌که مردم ترینیداد چنان جشن بزرگی را به راه انداخته‌اند که قابل وصف نیست .

در جمع ما نیز شادمانی‌ها بیش از

اندازه بود . هر یک از بچه‌ها از داخل

اتوبوس تلفن خانه والدین و وابستگان

خود را می‌گرفتند و با آنها خوش و بش

می‌کردند . کار به جایی کشید که حتی

نخست‌وزیر کشورمان (پاتریک منینگ)

به کاپیتان تیم ملی (دووایت یورک) تلفن

زد و به او و تمامی ما تبریک گفت . همه

آواز می‌خواندند و شادمانی می‌کردند .

ساعتی بعد برای صرف غذا به هتل

برگشتیم و سرانجام خسته و کوفته به

خواب رفتیم و تازه صبح روز بعد که

بیدار شدیم، فهمیدیم که چه کار مهمی

انجام داده و چه تیم توانمندی را متوقف

کرده‌ایم .

■ حالا چی؟

در پاسخ باید بگویم ما با روحیه‌ای دوچندان به دیدار با انگلیس خواهیم

شناخت و هیچ ترسی از این حریف نیز

نخواهیم داشت . اصولاً این را بدانید که

مردم این کشور (ترینیداد) ذاتاً مردمانی

بسیار خوش‌بین‌اند و به دل‌شان بد

نمی‌آورند و ما همیشه با اطمینان و ایمان

به کسب نتیجه دلخواه به میدان می‌رویم

و این بار نیز چنین خواهد بود . ما به دلیل اخراج یکی از

نفرت‌مان به مدت ۴۴ دقیقه در برابر سوئد ۱۰نفره بازی

کردیم و باز هم کم‌نیاوردیم . پس چرا از انگلیس

بترسیم. اصلاً از کجا می‌دانید که چه اتفاقی خواهد

افتاد؟ در دور مقدماتی همین جام ایرلند شمالی ۰-۱

بر انگلیس پیروز شد، آیا ما کمتر از ایرلندی‌ها هستیم؟

یورک نیز مسائلی از همین دست را به ما گوشزد کرده

است . یک مسئله دیگر هم وجود دارد . چندی پیش که

در فینال جام حذفی انگلیس همراه با وستهم روبه‌روی

لیورپول قرار گرفت، استیون جرارد کاپیتان لیورپول با

هر شوت بسیار سنگین مرا تسلیم و برد مسلم ما را تبدیل

به شکست و لیورپول را قهرمان جام کرد . همان روز

گفتم این مرد (شاره به جرارد) را به زودی دوباره خواهم

دید و این بار جایش را خواهم داد . امشب نوبت چنین

چیزی است، زیرا در یک کشور دیگر و اتمسفر دیگر به

سر می‌بریم . کافی است همان روحیه و نمایش بازی

در برابر سوئد را ارائه دهیم . آن وقت من و آقای جرارد

یر به یر می‌شویم .

♦دروازه‌بان تیم ملی ترینیداد و توپاگو

قهرمانان «دیروز»

سوئیس بدون گل زده، پایان یابد . تاکنون در سه بازی پیاپی است که چنین شرایطی بر بازی دو تیم حاکم می‌شود . این نشانه آن است که آنها در کارهای دفاعی بسیار هوشیار و سازمان‌یافته عمل می‌کنند .
بله! تساوی، توشه دو تیم بود . در نیمه نخست ما بهتر توانستیم بازی را اداره کنیم . توپ را خوب چرخانديم ولی آنچه که مانع از گلزنی ما شد عدم دقت بازیکنان در زدن ضربات نهایی بود . در شوت های شلیک شده نیز ضعیف بودیم . اگر بگویم نسبت به پیروزی و کسب سه امتیاز بی اعتنا هستم واقعاً مضحک است! اما به هر حال وقتی ما نیز دروازه‌مان را بسته نگه می‌داریم موید این نکته است که ما هم در کارهای دفاعی موفق بوده‌ایم . به‌خاطر این تساوی نباید مشوش شد . این طبیعت بازی‌های سوئیس و فرانسه است!^۱
فرانسه با کسب این یک امتیاز هفته آینده به مصاف صدرنشین فعلی این گروه یعنی کره جنوبی خواهد رفت. کره‌ای که با پیروزی‌ای که در برابر توگو کسب کرد در شرایط روحی ایده‌آلی به‌سر می‌برد . این فرانسه خسته، با در نظر گرفتن شرایط ویژه بازی‌های نخست ناامید و کسالت‌بار به نظر می‌رسد . گویا همان سناریوی ۴ سال پیش و یورو ۲۰۰۴ در حال تکرار است. . .



چهره □

این بار هارگریوز



باز همان انتقادات و اعتراض‌های همیشگی! هواداران انگلستان از شرایط موجود کشورشان رضایت ندارند . خصوصاً وقتی که قرار باشد اوون هارگریوز در برخی از دقائق در ترکیب این تیم قرار بگیرد . داستان چنین است که پس از خروج جو کول از بازی و ورود اوون هارگریوز، عده کثیری از هواداران این تیم پس از مشاهده چنین تغییری از سوی اریکسون با سردادن شعارهای اعتراض‌آمیز، شکایت و نارضایتی‌شان را از ورود بازیکنی با خصوصیات تدافعی چون اوون هارگریوز اعلام کردند . چنین حرکتی البته تعابیر و تحلیل‌های گوناگونی با خود به همراه داشت . اینکه ورود هارگریوز و متعاقب آن «هو» کردن‌های بریتانیایی‌ها تنها به دلیل حضور او بود یا اصلاً چنین اعتراضی به نشانه دلخوری آنها از نحوه بازی کشورشان. . .

با این حال و پس از وقوع این رخداد دیوید بکام کاپیتان این تیم و تری بوچر مفسر بی‌سی‌بی از هافبک کانادایی الاصل بایرن مونیخ حمایت کردند . دیوید بکام که خود بهتر از همه چنین اعتراض‌ها و نامالایمتی‌ها را طی این سال‌ها تجربه کرده، می‌گوید: «واقعاً وحشتناک است که در چنین شرایطی فوتبالیستی مانند «اوون» را تحقیر و تخریب می‌کنند . در این تیم هستند کسانی که چندان مورد قبول و علاقه هواداران نیستند . برخی هم که دیگر اصلاً مورد تنفر آنها هستند! ولی در صداقت و درستکاری اوون ذره‌ای نمی‌توان تردید داشت . او در هر مسابقه تمام توانش را به‌کار می‌بندد.

او مرد کوچکی نیست . در یکی از بهترین‌های اروپا بازی می‌کند . مدال‌ها و افتخارات رنگارنگی را از آن خویش ساخته که سرآمدشان لیگ قهرمانان اروپاست!»

در چنین قایی، تری بوچر نیز که خود سابقه حضور در سه جام جهانی به سال‌های ۸۲، ۸۶ و ۹۰ را دارد با جملاتی این چنین از آن عده معترض استقبال می‌کند:

«واقعاً شرم‌آور است . اگر هوادار واقعی و راستین انگلستان باشید، هیچ گاه به‌خود اجازه وقوع چنین اعتراض‌هایی را نمی‌دهید . هیچ تماشاگری حق ندارد

هیچ فوتبالیستی را «هو» کند! هارگریوز فوتبالیست کم‌اعتباری نیست . او قهرمان اروپا بوده و در کنار آن به افتخارات و مدال‌های رنگارنگ و گوناگون دیگری

دسته یافته. . . ! چنین برخوردهایی تنها از کسانی روی می‌دهد که بدون تفکر و اندیشه تنها به این خاطر که

عده‌ای حامی و قائل اینگونه تفکرات افراطی هستند با آنان همراه می‌شوند . برخی می‌گویند او نباید در ترکیب

باشد، و آن عده افرادی که خصوصیاتشان را ذکر کردم نیز به‌خوبی با آن دسته همراه می‌شوند!»

تیم رویایی □

کاكا جای زینیا را گرفت

آرش فیح‌زاد: روز سه‌شنبه سه بازی از گروه‌های F و G انجام‌شد اما تنها یک تغییر در ترکیب تیم رویایی ایجاد شد. به این ترتیب که کاکا هافبک تیم ملی برزیل که تک‌گل تیم مقابل کراسوا را به ثمر رساند جای زینیا هافبک تیم ملی مکزیک را گرفت.

■ تیم رویایی تا پایان بازی‌های روز سه‌شنبه:

دروازه‌بان: شاکا هیسلاپ (ترینیداد) ۱۰ امتیاز
مدافعان: فیلیپ لام (آلمان) ۷ امتیاز، یسحیی گل محمدی (ایران) ۵/۶ امتیاز، کارلوس ادواردز (ترینیداد) ۶ امتیاز.

هافبک‌ها: آلدیره آپرلو (ایتالیا) ۱۱ امتیاز، توماس روسیچکی (جمهوری چک) ۱۶ امتیاز، کاکا (برزیل) ۱۱ امتیاز، تیم کاهیل (استرالیا) ۱۲ امتیاز.

مهاجمان: میروسلاو کلوژه (آلمان) ۱۲ امتیاز، براوو (مکزیک) ۱۲ امتیاز، ونچاپ (کاستاریکا) ۱۰ امتیاز.

نحوه امتیازدهی به این ترتیب است:

■ حضور در بازی کمتر از ۶۰ دقیقه ۱ امتیاز

■ حضور در بازی بیشتر از ۶۰ دقیقه ۲ امتیاز

■ گلزنی دروازه‌بان ۸ امتیاز

■ گلزنی مدافع ۶ امتیاز